

نگاهی به ختم الغرایب، قدیم ترین نسخه تحفه العراقین

دکتر یوسف عالی عباس آباد*

چکیده

”ختم الغرایب“ کهن ترین نسخه شناخته شده مشنوی مشهور به ”تحفه العراقین“ خاقانی، که متعلق به کتابخانه ملی اتریش است. این نسخه به تازگی شناخته شده است و دارای ویژگیهای خاصی است که به سبب آن ویژگیها از تمام نسخه‌های موجود برتر است. وجود صورتهای اصلی و بدون تحریف بعضی از کلمه‌ها؛ وجود صورتهای درست و منطقی ابیات و... که در بعضی از موارد منحصر به این نسخه است. نسخه مذکور تنها نسخه‌ای است که دارای نام اصلی تحفه العراقین یعنی ”ختم الغرایب“ است.

واژه های کلیدی: ختم الغرایب، خاقانی، نسخه خطی.

* استادیار دانشگاه پیام نور سمنان.

ختم‌الغرائب، که به تازگی به وسیله استاد ایرج افشارشناسانده شده است قدیم‌ترین نسخه شناخته شده مثنوی تحفه العراقین است. این مثنوی در سال ۵۹۳ کتابت شده است. اگر مطابق بعضی از تذکره‌ها،^۱ ۵۹۵ را سال مرگ خاقانی بپذیریم، این مثنوی در زمان حیات این شاعر کتابت شده است. ولی اگر سال مرگ او را ۵۹۱^۲ بدانیم، این نسخه دو سال پس از مرگ او کتابت شده است. عنوان این نسخه ختم‌الغرائب است که نام اصلی مثنوی تحفه‌العراقین است.

این نسخه، نسخه شماره ۸۴۵ متعلق به کتابخانه ملی اتریش است که برای خزانه عزالدین ابوالفتح ملک شاه بن ناصرالدین محمد از سلاجقه روم کتابت شده است. دارای سه هزار و هفتادبیت است و در شش مقاله تبویب شده است.

وجود صورتهای قدیم و اصلی و بدون تحریف بعضی از کلمه‌ها و ترکیبها، دارابودن درست‌ترین وجه از نظر لغوی و معنایی بیت یا مصراع در بین تمام نسخه‌ها، دارا بودن ترتیب منطقی ابیات و غیر آنها، ویژگیهایی است که سبب مزیت این نسخه بر تمام نسخه‌های موجود تحفه‌العراقین است. با تمام مزایا و برتریهای که در این نسخه مشاهده می‌کنیم، از بعضی اشتباهها نیز مصون نمانده است. وجود بعضی از غلطها و اشتباههای کاتب از ضعفهای عمده آن است در این میان بیشتر موارد مربوط به سهو کاتب است که گاهی در حروف کلمه‌ها، یک حرف پس یا پیش و کم یا زیاد و در ترکیبها، گاهی اجزای ترکیب پس و پیش کتابت شده است. نیز در بعضی از موارد بر اثر اشتباه کاتب بعضی از کلمات یا قسمتی از ترکیب یا یک یا چند مصراع از قلم افتاده است.

در ذیل به برخی از مزایای این نسخه به اجمال اشاره می‌کنیم:

الف) وجود صورتهای قدیمی و بدون تحریف کلمه‌ها. به عنوان نمونه چند مثال می‌آوریم:

۱ رفتم به شناه و غوطه خوردم زان نیل، و فصیل، عبره کردم (ص ۲۲)

کلمه «شناه» در بسیاری از نسخه‌ها از جمله چاپ دکتر قریب (ص ۳۵) به صورت جدیدتر، «شنا» ضبط شده است.

۲ پیش دلشان سپهر و انجم این بوده ورخج و آن بجخشم (ص ۱۰۲)
 بجخشم به معنی پلید و پلشت است و به این صورت در هیچ فرهنگی ضبط نشده است. در فرهنگها از جمله جهانگیری، برهان قاطع و لغت‌نامه دهخدا، به صورت «بخشم» ضبط شده است و معنی آن را لغزش و سقوط و چیزهایی از این قبیل ذکر کرده‌اند. این کلمه در بعضی از آثار نظم و نثر نیز به کار رفته است و تقریباً همه‌جا به علت ناشناخته بودن کلمه به صورت مصحف ضبط شده است.

در ترجمه رساله قشیریه (ص ۶۸۱) آمده است: «وشیر که در پیش او نهاده بود از آن سیاه می‌شد من با خویشانم چه بشخشم‌اند اولیای تو، خداوندا میان ایشان یکی پاکیزه نیست.» در حدیقه سنایی (ص ۳۶۱) این کلمه با همین حدود معنایی، به صورت دیگر ضبط شده است:

آن خوش از نفس شهوت و شره است و نه جای بشختم تبه است
 نیز در دیوان خاقانی (ص ۸۴۳) آمده است:

نام همای دولت و شهباز حضرت است نه کرکس فرخجی و نه زاغ تخجم است
 این کلمه در تحفه‌العراقین چاپ دکتر قریب (ص ۱۲۲) به صورت «تخجم» ضبط شده است که نسخه بدل آن «تختم» است. و در شرح ابجدی بر تحفه‌العراقین (ص ۱۲۸) این بیت به این صورت ضبط شده است:

بیش دلشان سپهر و انجم این توده میخ و آن تخجم

ابجدی، تخجم را شترگوژ پشت معنی کرده و افزوده است که در بعضی نسخ به جای تخجم، تخیم آمده و آن به معنی خیمه‌زدن است.

مرحوم استاد مجتبی مینوی نیز در مقاله‌ای با عنوان «بخشم یا بجخشم» به تحقیق

درباره این لغت پرداخته‌اند و متذکر شده‌اند که در شش نسخه خطی کیمیای سعادت چاپ احمد آرام (ج ۱، ص ۱۳۳) این کلمه در نسخه‌هایی به صورت‌های: بحشم، بخشم، بجشم، سخسم، بججشم ضبط شده است و استاد آرام به سبب ناشناخته بودن کلمه، «نجس» را (در مقابل قذر در متن عربی‌احیاء‌العلوم‌الدین) به جای آن ضبط کرده‌اند. استاد مینوی حدس زده‌اند در تمام مواردی که این کلمه به صورت‌های گوناگون و مصحّف نوشته شده است در اصل به صورت بشخشم یا بچخشم (برحسب تلفظ محل‌های مختلف) بوده است و ایشان «بچخشم» را اقرب به صواب دانسته و یادآوری کرده‌اند که این کلمه به معنی پلید و نجس است و بعد از قرن ششم و هفتم هجری کم‌کم متروک و مهجور شده و به صورت‌های مصحّف در فرهنگها وارد شده است. با در دست داشتن ختم‌الغرائب، معلوم می‌شود که نظر استاد مینوی صائب بوده است.

۳ مه چرخ و مه راه کهکشانشت مه خوشه و دانه در میانش (ص ۱۵۴)

در نسخه‌های متأخر از جمله چاپ دکتر قریب (ص ۱۷۷)، «مه» به صورت «چه» تغییر یافته است. «مه» حرف نفی است که در نظم و نثر کاربرد فراوان دارد. فردوسی گوید:

که مه تاج بادا و مه تخت شاه مه گشتاسب و جاماسب و آن بارگاه

(شاهنامه، ۱۳۷۳، ۳۰۷/۶)

(یادآوری می‌کنیم که در بیت ختم‌الغرائب، بر اثر سهو کاتب، کهکشانش به صورت «کهکشانشت» ضبط شده است.)

۴ هم رنگ زرشک شد سرشکم بگرفت رگ مجس بجشکم (ص ۱۸۴)

«بجشک» صورت قدیم کلمه «پزشک» است در اغلب نسخه‌های متأخر از جمله چاپ قریب (ص ۲۱۲) به صورت جدید آن ضبط کرده‌اند. (یادآوری می‌کنیم که در چاپ دکتر قریب کلمه‌های قافیه این بیت به صورت «سرشگ و پزشگ» آمده است که هیچ یک درست نیست. بلکه صورت درست آن با «کاف» یعنی سرشک و پزشک

است.)

ب) صورت صحیح بیت یا مصراع که جز در ختم الغرایب، در بقیه نسخه‌ها غلط ضبط شده است. اینک چند نمونه ذکر می‌کنیم:

۱ زر محنت از بر سرآرد آزوری و آزی بر آرد (ص ۶)

مصراع دوم در چاپ قریب (ص ۱۷) به صورت: «آز زرت آزی برآرد» ضبط شده و نسخه بدلهای آن به صورت: «زر آذر آزی برآرد»؛ «زر آزی برآرد» ذکر شده است.

«آزور» به معنی حریص و آزمند است. انوری گوید:

مرد باش ای حمیت قانع خاک خورای طبیعت آزور

(دیوان انوری، ۱۳۷۲، ص ۲۳۸)

۲ من زآفت زاد بود غمناک دل در تب گرم و دیده نمناک (ص ۱۷)

«زادبود» در بقیه نسخه‌ها از جمله چاپ قریب (ص ۳۰) به صورت‌های «زاد و رود»؛ «زاد و بود»؛ «زادوبوم» ضبط شده است. «زادبود» صورتی از کلمه «زادبوم» است این کلمه به معنی «وطن و زادگاه» است و افزودن واو عطف به این ترکیب غلط است. خاقانی نظیر این ترکیب را باز هم در این مثنوی به کار برده است:

خامی سوی زادبوم کن رای چون پخته شوی، سوی عراق آی

(ص ۳۳)

این ترکیب نیز در تمام نسخه‌ها از جمله چاپ قریب (ص ۴۷) به صورت «زاد و بوم» ضبط شده است.

۳ هر لحظه به ساحل از میانش دندان فکنند ماهیانش

آن دندان برگرفته افلاک هر دندان را به سنگ تریاک

مریخ چو حق ارز بگزارد زان دندان کرد دسته کارد (ص ۲۱)

مصراع اول بیت دوم در چاپ قریب (ص ۳۵) به صورت «زان دندان برگرفته افلاک» و در بقیه نسخه‌ها به صورت: «از دندان برگرفت افلاک» و ... ضبط شده است. برگرفته: در اینجا به معنی «فرض کرده» و «در شمار آورده» به کار رفته است. مقصود از بیت دوم این است که: افلاک آن دندان (دندان ماهی) را به سنگ تریاک که سنگ بسیار گران قیمت و با ارزش است، برگرفته و در حد و اندازه آن قرار داده است.

۴ بر چنگ زمانه فارغ الذات از بیست چهار رود ساعات (ص ۲۴)

مصراع دوم این بیت در بقیه نسخه‌ها به صورت‌های غلط: «بیست و چهار روز و ساعات»؛ «بیست و چهار دور ساعات» و ... ضبط شده است. مسلماً ضبط نسخه وین درست است.

خاقانی در دیوان نیز تعداد رودهای ساز چنگ را بیست و چهار تا ذکر کرده است: راستی چنگ را بیست و چهارست رود

چون یکی از وی گسست گوژ شود بی‌گمان
(دیوان خاقانی، ۱۳۵۷، ص ۳۳۳)

خاقانی «رود» را در معنی «وتر» به کار برده است. بنا به قول عبدالقادر مراغی، «وتر» رشته‌هایی است که معمولاً از موی اسب درست می‌کردند و بر بدنه سازهای ذوات‌الآوتار (زهی) می‌بستند. (مقاصد‌الالحن، ۲۵۳۶، ص ۱۳۳) هم چنین در دیوان نیز رودهای چنگ را به ساعات تشبیه کرده است:

فلک چنگ پشت است و ساعات، رگها

که رگ بیست و چار است بر چنگ بسته
(همان، ۹۱۷)

۵ بر معتکفانش از پی یاد طرسوس کنی فتوح بغداد (ص ۹۳)

مصراع دوم در چاپ دکتر قریب (ص ۱۱۳) و بعضی از نسخ دیگر به این صورت ضبط شده است: «طرطوس کنی فتوح و بغداد» مسلماً ضبط نسخه وین درست است. «طرطوس کردن» اصطلاح تصوف و به معنی «بخش کردن و تقسیم کردن» است و چون

این نوع تقسیم کردن در شهر "طرسوس" مرسوم بوده است، به طرسوس کردن مشهور شده است. این ترکیب در هیچ فرهنگی ضبط نشده است و بنا به قول استاد شفیع کدکنی غیر از «صفوة التصوف»، محمد بن طاهر مقدسی از صوفیان قرن پنجم و «اسرارالتوحید»، محمد بن منور، جای دیگر این ترکیب نیامده است. نکته‌ای که باید یادآوری شود این است که در چاپ دکتر قریب بین کلمه «فتوح» و «بغداد»، «واو» افزوده شده است که قطعاً غلط است. «فتوح» مالی بوده است که عاید خانقاه می‌شده است و آن را در بین صوفیان تقسیم و طرسوس می‌کرده‌اند. در اسرارالتوحید آمده است: «شیخ گوشه سجاد برداشت و مثنوی طایفی از زیر سجاده بیرون کرد و گفت: صوفیان رافتوحی بوده است طرسوس کرده‌اند ما حصه شما اینجا نهادیم، هر یک را هفت هفت هفت» (اسرارالتوحید، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸).

۶ باز آنک قلم زند به واجب راتب خور پادشاست کاتب (ص ۱۲۸)

در تمام نسخه‌های متأخر از جمله چاپ دکتر قریب (ص ۱۵۰)، باز آنک (باز آنکه) را به صورت جدیدتر آن «با آنکه» ضبط کرده‌اند. در حالی که به کار بردن این ترکیب از مختصات سبکی این مثنوی است. خاقانی دوبار دیگر نیز آن را به کار برده است و در هر دو مورد آن را به صورت «با آنکه» تغییر داده‌اند.

باز آنک برهنگی گزینی زربفت دهی به هر که بینی

(ص ۷۸)

(البته باز آنک در این بیت، به صورت «یا زآنک» ضبط شده است که نقطه اضافه «با»

سهو کاتب است.)

باز آنک مراست این امیری سگبان تو باشم ار پذیری

(ص ۱۳۸)

۷ بسیار در هوس گزیدم با نفس جنابها کشیدم

بود از قبل گرو به دعوی از من دین وز نفس دینی

نقلیم نداد نفس غدار پس گفت جناب یاد می‌دار
دین از کف من به رایگان برد سرمایه عز آن جهان برد (ص ۱۴۰)

در نسخه‌های متأخر، «نقلیم نداد» به صورت «تعلیم نداد» و در چاپ دکتر قریب (ص ۱۶۳) به صورت «تعلیم بداد» ضبط شده است. در این صورت بیت هیچ معنایی ندارد.

جناب (= جناغ) کشیدن از سرگرمیهای مردم در روزگار پیشین بوده است که هنوز هم رایج است. در این بازی معمولاً نقل و نظایر آن را به حریف می‌دادند و لفظ «جناب یاد دار» را بر زبان می‌آورده، شرط را از حریف می‌بردند. در این ابیات شکایت خاقانی از حيله‌گری شگرف نفس است که حتی نقلی (کنایه از تمتع بسیار جزیی) هم نداده است ولی شرط بازی (= دین و سرمایه عز آن جهان) را برده است.

۸ در طالع کعبه گاه تسییر دیدند منجمان تقدیر (ص ۱۶۵)

کلمه تسییر در تمام نسخه بدلها به صورتهای غلط «تسییر»؛ «تیسیر»؛ «تأثیر» (چاپ قریب، ص ۱۸۹) ضبط شده است. چنان که از کتابهای معتبر نجومی از جمله التفهیم (ص ۵۲۱) و روضه المنجمین (ص ۲۷۱) بر می‌آید «تسییر» عملی بوده است که در درجه طالع انجم می‌گرفت و منجمان به وسیله آن احکام نجومی از جمله صحت و مرض و مدت عمر و غیر آنها را استخراج می‌کردند. خاقانی در دیوان نیز به تسییر طالع و تسییر هیلاج اشاره کرده است:

از طالع میلاد تو دیدند رصدها اختر شمران رومی و یونانی و مایی
تسییر براندند و براهین بغزودند هیلاج نمودند که جاوید بقایی

(دیوان خاقانی، ۱۳۵۷، ص ۴۳۸)

۹ تقویم که شد محل شکسته فرسوده و گرد بر نشسته

گر زو عملی دگر نیاید تاریخ شناس را بشاید

ضایع کندش خیالی بینی بر فال کشی و ره نشینی ... (ص ۱۸۴)

در بیت دوم، در اکثر نسخه‌ها از جمله چاپ دکتر قریب (ص ۲۱۲)، بشاید، به صورت «نشاید» ضبط شده است و این ضبط دقیقاً برعکس مراد شاعر است. تقویم در اصطلاح منجمان از فروع علم هیئت است و استخراج آن برای هدفهای مختلفی بوده است. تقویم، حاصل مطالعات اخترشناسان در حرکات و احوال کواکب و سیاره‌ها و پدیده‌های کیهانی است که در چند ور دفتر ثبت و به مدت یک سال استفاده می‌شد. مقصود شاعر این است که وقتی سال سرآمد، دیگر تقویم به کار منجمان نمی‌آید بلکه به درد مورخان و افرادی نظیر آنان می‌خورد تا در تحلیلهای خود درباره اوضاع و احوال جهان و مردم در آن سال و چیزهایی از این قبیل استفاده کنند.

۱۰ امانه ایاز عشق و ندمت بل کز سر و چشم ایاز خدمت (ص ۲۱۵)

در نسخه‌های متأخر از جمله چاپ دکتر قریب (ص ۲۴۱) «سر و چشم» را به صورتهای «ازین گوش»؛ «این گوش» و ... ضبط کرده‌اند. خاقانی در همین مثنوی بار دیگر آن را به کار برده است:

تا چشم جهانیان سوی توست او از سر و چشم هندوی توست

(بیت ۱۵۸۷)

«از سر و چشم» از ترکیبهای ابداعی خاقانی است به معنی: از ته دل؛ با کمال میل. این ترکیب را در دیوان به صورت «از چشم و سر» و در معنی مذکور به کار برده است: دیلم تازی میان، اوست من از چشم و سر هندوکی اعجمی بنده دربان او

(دیوان خاقانی، ۱۳۵۷، ص ۳۶۲)

و شواهد دیگر که فعلاً به ذکر این مقدار بسنده می‌کنیم.

ج) توالی صحیح ابیات:

۱ سنگی که ز دستها بجسته پیشانی اهرمن شکسته

روح از پی قهر دشمنانش عرّاده نهاده در میانش

هر سنگ در آن مبارک اوطان چون رجم شهاب رجم شیطان (ص ۱۰۵)

در بعضی از نسخه‌ها از جمله‌ها چاپ دکتر قریب (ص ۱۲۵)، دو بیت اخیر پس و پیش ضبط شده است. «دشمنان روح»، «شیاطین» اند که در جمره العقبه، سنگ باران می‌شوند. از نظر معنایی و منطقی، ضبط نسخه وین درست است.

۲ از ننگ کسوف جان ستانت بدهد بلد الامین امانت

در سایه مکه چون نشستی از سایه خاک بازرسی

سطر دومین ز حرز عالم مگه ست ز بعد اسم اعظم (ص ۱۰۶)

در نسخه بدلها و چاپ قریب (ص ۱۲۶) دو بیت اخیر پس و پیش ضبط شده است. که غیرمنطقی است. بیت دوم در واقع توضیح بیت اول است. خاقانی خطاب به خورشید گفته است که اگر در سایه مکه بنشینی از کسوف در امان خواهی ماند. او سایه خاک (= ظل زمین) را علت کسوف پنداشته است.

۳ ز انجا به مقام عمره تازی از عمره طراز عمر سازی

آخر عمل از مناسک این است آن دیوان را فذلک این است

آنجا بینی مقام محمود اینجا یابی کمال مقصود (ص ۱۱۰)

در بسیاری از نسخه‌ها و در چاپ دکتر قریب (ص ۱۳۱) دو بیت اخیر پس و پیش ضبط شده است. با توجه به بیت اول، که عمل عمره را، آخرین مرحله از اعمال حج به شمار آورده است، ترتیب ضبط نسخه وین درست است.

۴ از آب و هوای حرص رستم از قحط وبای نفس جستم

کردم ز درت گریز را ساز هم در در تو گریختم باز

طفل از ز پی گریز خیزد هم در بر دایگان گریزد

باز آمدم از برای تمکین در پیش تو نیم روی خاکین (ص ۱۴۳)

سه بیت اخیر در چاپ دکتر قریب (ص ۱۶۶) به این ترتیب ضبط شده است:

۴ باز آمدم از برای تمکین در پیش تو نیمروی خاکین
کردم ز درت گریز را ساز هم بر در تو گریختم باز
طفل از ز پی گریز خیزد هم در بر دایگان گریزد

با توجه به اینکه بیت سوم (ختم الغرایب) تمثیل بیت دوم است، مقدمه‌چینی برای علت «باز آمدن» در بیت چهارم محسوب می‌شود. در این صورت ضبط نسخه وین درست است.

۵ تو گوهر کان لایزالی یعنی که سلاله جلالی
از نطفه آفتاب فرمان اندر رحم زمین ایمان
لطف ازلت به عالم فرد در هفت هزار سال پرورد (ص ۱۶۳)

در چاپ دکتر قریب (ص ۱۸۸) بیت اول و دوم پس و پیش ضبط شده است. ضبط نسخه وین درست است. بیت دوم و سوم توضیح یا وصف بیت اول است و به هم خوردن نظم آن، باعث اغتشاش در معنی خواهد شد.

(د) عاری بودن این نسخه از بعضی ابیات سست و الحاقی:

۱ - بعد از بیت:

هر مکتب از او چو هشت باغست هر یک چو سه غرفه دماغست
در چاپ دکتر قریب (ص ۱۰۸) و بعضی از نسخه بدلهای، بیت دیگری وجود دارد:
هم حفظ و خیال و فکر از آنجاست کاین هر سه از آن سه غرفه برخاست

که در واقع توضیحی بر «سه غرفه دماغ» است، به نظر می‌رسد این بیت افزوده کاتبان باشد؛ زیرا این توضیح چندان ربطی به موضوع ندارد.

۲ - بعد از بیت:

بنیاد مدینه سلا دنیااست حیاه الله حیات جانهاست

در چاپ دکتر قریب (ص ۱۴۲) و بعضی از نسخه بدل‌ها بیت سست و ضعیف دیگری نیز وجود دارد:

چون ریزش روزی مسلمان دخلش کم و برکتش فراوان

درباره محسنات ختم‌الغرائب به این مقدار بسنده کرده، در ادامه به بررسی ضعفهای این نسخه خواهیم پرداخت.

چنان که در ابتدای این مقال نیز گفتیم، به جز چند مورد، ضعف عمده نسخه، سهو کاتب است؛ به اجمال از ضعفهای آن چند مثال می‌آوریم:

الف) غلطهای محرز نسخه:

۱ گه در خفقان چو شاه عرعر گه در یرقان چو شکل عبهر (ص ۴)

«شاه» در مصراع اول و «شکل» در مصراع دوم غلط است. در اکثر نسخه‌ها نیز به صورتهای غلط ضبط شده است. در یکی از نسخه‌های تحفه‌العراقین (آستان قدس رضوی، مورخ ۹۵۰) بیت به این صورت ضبط شده است:

گه در خفقان چو شاخ عرعر گه در یرقان چو چشم عبهر

عرعر نوعی بید یا سرو کوهی است و خفقان آن، اشاره به لرزش شاخه‌های آن بر اثر وزش باد است مصراع اول کنایه از حالت لرزان خورشید در لحظات طلوع است. عبهر نوعی نرگس است و چشم عبهر، اشاره به زردی وسط این گل است. مصراع دوم کنایه از نور کم رنگ و زرد خورشید در لحظات غروب است.

۲ فرزین به سه خانه زین سوی توست ماه اجرایی ز پهلو تست (ص ۱۴)

در مصراع اول این بیت، در اکثر نسخه‌ها «فرزین» ضبط شده است که غلط است. این ضبط شارحان را به اشتباه انداخته است. در نسخه سپهسالار، به جای «فرزین»، «پروین» ضبط شده است که درست است. پروین، در صورت فلکی ثور واقع شده است و ثور با خانه خورشید که اسد است، سه خانه فاصله دارد.

۳ گردون به هزار لب بخندید کان جرم هلال مسجب دید (ص ۶۸)

در نسخه استامبول به جای کلمه «مسجب»، «منخسف» ضبط شده است. که درست است. هلال منخسف، استعاره از طغرای سیاه رنگ سلطان غیاث‌الدین محمد سلجوقی است و خندیدن گردون به هزار لب، به سبب خسوف هلال است.

توضیح این نکته ضروری است که براساس قول بیرونی در التفهیم یکی از شرایط وقوع خسوف، بودن ماه در حالت بدر است. (رک: التفهیم، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲-۲۱۱). انوری گوید:

مه نوی تو فلک اندر از خسوف مترس از آنکه راه نباشد خسوف را به هلال
(دیوان انوری، ۱۳۷۲، ص ۲۸۱)

۴ جزویست ز دفتر نبوت زنگیست ز کعبه فتوت (ص ۸۴)

در نسخه استانبول به جای «زنگیست»، «رکنیست» ضبط شده است که درست است. خانه کعبه چهار رکن دارد: عراقی، حجرالاسود، یمانی و شامی. (رک: سفرنامه ناصر خسرو، ۱۳۷۳، ص ۱۲۹) در تصور شاعرانه، حرم خلیفه المقتدی یکی از ارکان کعبه شمرده شده است.

۵ هم خود دهنم ز آتش آز شتست به هفت آب خاک آب (ص ۱۴۶)

این بیت به صورت بسیار معشوش ضبط شده است، بیت قافیه ندارد، «شتست» به جای «شتهست» ضبط شده است، «آب» تکرار شده است.

در نسخه استامبول بیت به این صورت ضبط شده است:

هم خود دهنم ز آتش ناب شستهست به هفت خاک و هفت آب

ب) مواردی که بر اثر اشتباه کاتب، کلمه به درستی ضبط نشده است، تعداد آنها زیاد است چند مثال می‌زنیم.

«فرا عرا» / «فر عرا»

آن ناخنه کابرش تو دارد (ص ۶۶)	جز فرا عرا بر ندارد «طغرل نجات» / طغرای نجات
طغرل نجات یافت طغرل (ص ۸۰)	از برکت او به عالم دل «خطاهای ثواب» / خطاهای ثواب
بی نقش سجل اوست مبهم (ص ۷۸)	خطاهای ثواب اولیا هم «جام» / جان
چون خاستگان صور عریان (ص ۱۰۰)	برخاسته یکسر از سر جام «هندی» / هدی
قطب هندی سپهر اسلام (ص ۱۵۳)	آنک خط موصل و حد شام «جراج» / خراج
از خلخ و هند باج خواهد (ص ۱۶۵)	کز روم و خزر جراج خواهد «قمهر» / قهر
از هیبتش آفتاب بشکافت (ص ۱۷۰)	قمهر تو بر آسمان گذر یافت

ج) مواردی که بر اثر اشتباه کاتب، بیت بی قافیه شده است. به دو مورد اشاره می‌کنیم:

۱ خاقانی را به خطه خاک نگزیرد از این مخاطب خاک (ص ۳)

در نسخه استامبول، به جای خاک در مصراع دوم، «پاک» ضبط شده است.

۲ این رقعه سبز بیلگون چیست وین چتر بلند بیلگون چیست (ص ۴۸)

در نسخه استامبول بیت به این صورت ضبط شده است:

این رقعه پست نیلگون چیست و این چتر بلند بیلگون چیست

(د) افتادگی کلمه، بعضی از حروف کلمه یا جزئی از ترکیب یا بخشی از بیت:

۱ خط ملکوت ناودانش ارزن ده بجرج کوترانش (ص ۶۲)

ظاهراً مصراع دوم بیت مذکور، دو بیت بعد و مصراع اول بیت بعدی افتاده است.

در نسخه استامبول این ابیات به این صورت ضبط شده است:

خط ملکوت ناودانش شهرستان ازل، مکانش

بیمارانش درست خیزان مسکینانش خزینه ریزان

روح از پی آب روی خود را خلد از پی رنگ و بوی خود را

دست آب ده مجاورانش ارزن ده بجرج کوترانش

۲ یاسین صفت است نام والاش نون والقلمی و رای یاسین (ص ۶۸)

بر اثر اشتباه کاتب، مصراع دوم بیت مذکور و مصراع اول بیت بعد افتاده است.

در نسخه استامبول دو بیت به این صورت ضبط شده است:

یاسین صفت است نام والاش نون القلم است شکل طغراش

در هیچ کراسه دیده‌اند این نون و القلمی و رای یاسین

۳ سوده نکنی زمینش از پای پیشانی کنی زمین سای (ص ۱۱۰)

بعد از پیشانی، «را» افتاده است.

۴ با مدح تو بیدقی، فرو کرد فرین بندی عجب نکو کرد (ص ۱۱۶)

«ز» از «فرزین بند» افتاده است.

۵ گاهی که چو خوشه دار است داسی که خلنده‌تر ز خارست (ص ۱۵۴)
«داس» بعد از خوشه افتاده است.

۶ چون از که و گل فرا آید ناوه فلک‌المحیط شاید (ص ۱۶۸)
کله «هم» در ترکیب «فراهم» افتاده است.
دانسته که در حریم رحمان خیرالبشر است یقظان
(ص ۱۷۳)
بعد از کلمه است، «حی» افتاده است.

هـ) مواردی که بر اثر اشتباه کاتب، جزئیاتی به بیت افزوده شده است:

۱ بر آخرت آخرت سبیل است آخر سالار جبریلست (ص ۱۱۲)
«س» به جبرئیل ست، افزوده شده است.
۲ امروزم یک ر زبان چو خنجر آکنده همه زبان به گوهر (ص ۱۴۵)
بعد از یک، حرف «ر» افزوده شده است.
۳ شه وقت عرامه شکار باشد بید همه زخم خوار باشد (ص ۱۷۶)
بعد از کلمه عرا، کلمه‌ای شبیه «همه/مه» افزوده شده است.
۴ سیمرغ شکار شد فنا را چه روی بقاست خنفسا راست (ص ۲۰۶)
بعد از خنفسا را، «ست» افزوده شده است.

و) وجود بعضی از غلطهای املائی:

۱ طباخانش کشیده خنجر هم خان مسیح و آدمی خور (ص ۲۰)

با توجه به قرینۀ «آدمی خور»، «هم خان» در معنی «هم سفره» به کار رفته است، در این صورت «خان» از نظر املائی غلط است و صورت درست آن «خوان» است.

۲ وز نافۀ صبح مشک ازفر سایی به صلائیۀ فلک بر (ص ۹۴)

اذفر، مؤنث ذفراء به معنی «دارای بوی تند» است و مجازاً به معنی خوشبو به کار می‌رود. این کلمه به صورت «ازفر» غلط است.

اگرچه تعداد این نوع سهوهای قلمی نسبتاً زیاد است اما در برابر ارزشهای منحصر به فرد این نسخه چندان به چشم نمی‌آید.

پی‌نوشتها

- ۱ - اکثر تذکره نویسان سال مرگ خاقانی را ۵۹۵ ذکر کرده‌اند. (نفحات الانس ۶۰۵)؛ (آتشکده ۱۴۹)؛ (تاریخ ادبیات در ایران ۷۸۰/۲)؛ (سخن و سخنوران ۶۴۲) شیرعلی خان لودی (مراة الخیال ۲۵) و محمدعلی مدرس (ریحانة الادب ۱۱۴/۲) نیز به سال ۵۹۵ اشاره کرده‌اند.
- ۲ - چنان که استاد ایرج افشار در مقدمه ختم الغرایب اشاره کرده‌اند طبق سندی که استاد محمدرضا شفیعی کدکنی از نسخه جنگ شماره ۴۸۸ لالا اسماعیل (ترکیه)، ورق ۸۱ الف. ۸۱ ب کتابت ۷۴۱-۷۴۲ ارائه داده‌اند. تاریخ دقیق وفات خاقانی، ۵۹۱ هجری قمری است. رک: (ختم‌الغرایب، ص نه).

منابع و مأخذ

- ۱ - ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۵۹.
- ۲ - ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی، *التفهیم لاوائل صناعه التنجیم*، تصحیح جلال‌الدین همایی، چاپ چهارم، موسسه نشر هما، ۱۳۷۶.
- ۳ - ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، *ترجمه رساله قشریه*، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزانفر، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
- ۴ - انوری، دیوان انوری، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، چاپ چهارم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ۵ - حکیم ابوالقاسم فردوسی، *شاهنامه*، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، نشر قطره، ۱۳۷۳.
- ۶ - خاقانی شروانی، *تحفه العراقین*، نسخه خطی شماره ۱۷۶۲/۲ متعلق به کتابخانه ایاصوفیا در استامبول مورخ ربیع الاول ۷۹۱ هجری قمری.
- ۷ - _____، *تحفه العراقین*، نسخه خطی شماره ۴۰۶ متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی مورخ ۹۵۰ هـ. ق.
- ۸ - _____، *تحفه العراقین*، نسخه خطی شماره ۲۷۲ متعلق به کتابخانه سپهسالار مورخ سده ۱۳ هجری قمری.
- ۹ - خاقانی شروانی، *ختم الغرایب*، نسخه برگردان نسخه خطی شماره ۸۴۵ کتابخانه ملی اتریش، به کوشش ایرج افشار، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵.
- ۱۰ - _____، دیوان، به کوشش دکتر ضیاء الدین سجادی، چاپ دوم، تهران، زوار، ۱۳۵۷.
- ۱۱ - _____، *مثنوی تحفه العراقین*، حواشی و تعلیقات دکتر یحیی قریب، چاپ اول، انتشارات خوارزمی، ۱۳۳۳.
- ۱۲ - شهرمدان بن ابی‌الخیر، *روضه المنجمین*، (چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملک)، با مقدمه و فهرست‌ها و اصطلاحات نجومی، جلیل اخوان زنجانی، مرکز انتشارات خطی تهران، (۱۴۰۹ هجری قمری)، ۱۳۶۸.
- برجه رسر سب،
- ۱۴ - عقیلی خراسانی، *مخزن الادویه*، چاپ دوم، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

- ۱۵ - علی اکبر دهخدا، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، ۱۳۲۴-۱۳۵۹.
- ۱۶ - محمد بن منور، اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، مقدمه تصحیح و تعلیقات، دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم، تهران، آگاه، ۱۳۷۶.
- ۱۷ - محمد حسین بن خلف تبریزی، فرهنگ برهان قاطع، تصحیح محمد معین، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۱۸ - میر محمد اسماعیل خان ابجدی، شرح تحفه العراقین (کلیات ابجدی حصه چهارم)، مدارس یونیورسیتی، سنه ۱۹۵۴ عیسوی.
- ۱۹ - میرجمال الدین حسین بن فخر الدین حسن انجو شیرازی، فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عفیفی، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۹.
- ۲۰ - مینوی مجتبی، بشخشم یا بچخشم، مجله راهنمای کتاب، جلد سیزدهم.
- ۲۱ - ناصر خسرو قبادیانی، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، چاپ پنجم، تهران، زوار، ۱۳۷۳.